

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره هشتم، بهار ۱۴۰۱، ص ۲۴۶ - ۲۶۰

نقش زنان در رشد معنوی همسر با الگوگیری از واقعه کربلا

غریبه مغیفی پور^۱

مصطفی حسنی کلشتری^۲

مهری باقری^۳

اسماء زمانی^۴

چکیده

هدف خلقت، رشد معنوی انسان و رسالت انبیاء نیز برای تحقق این هدف است. در واقعه کربلا زنان بزرگوار، شجاع و فداکاری حضور داشتند که در حمایت معنوی از همسران و مردان خود نقشی بی بدیل ایفا کردند از جمله آنان، حضرت زینب کبری (س)، حضرت رباب همسر امام حسین (ع)، ام وهب، ام خلف، و همسر زهیر؛ زنان حاضر در واقعه کربلا الگویی روشن از یک زن مسلمان موفق و مؤثر بر رشد معنوی همسران و مردان خود بوده که در تمام عرصه ها و صحنه های سخت و ظایف مهم خود را به بهترین شکل ممکن به انجام رسانده و الگویی مناسب برای زنان امروز ما هستند. از مهمترین نقشهای یک زن مؤمن، متقی و مسلمان ایجاد امید و آرامش قلبی، تشجیع و ترغیب همسران برای دفاع از کیان اسلام، کمک در جهت رشد معنوی و اعتلا روحی همسران (مردان) است. در این تحقیق به بررسی نقش زنان در رشد معنوی همسر با الگوگیری از واقعه کربلا پرداخته شده است. روش تحقیق در این پژوهش به صورت نقلی، پردازش و گردآوری اطلاعات کتابخانه ای با رویکرد تحلیلی - توصیفی است. یک سوال اساسی مطرح است، زنان چگونه می توانند در رشد معنوی همسران خود تأثیر بگذارند؟ باید گفت نمونه های تاریخی فراوانی وجود دارد که بیانگر تاثیر واقعی و موثر زنان بر رشد و تعالی همسران (مردان) بوده است. نمود واقعی و عینی این مهم، در واقعه کربلا به وقوع پیوسته است، زنان امروزی می توانند با الگوگیری از آن واقعه تاریخی در رشد و اعتلای همسران خود مؤثر بوده و آنها را ترغیب به دفاع از کیان اسلامی و حفظ دین و دفاع از ولایت نمایند.

واژگان کلیدی: زن، رشد معنوی، همسر، الگو، واقعه کربلا

۱. طلبه سطح دو (کارشناسی)، رشته علوم حوزوی، حوزه علمیه حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)، شهر هسگرد، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی،

gmghyfypwr@gmail.com

۲. دارای مدرک سطح دو (کارشناسی)، رشته حقوق و قضای اسلامی، مدرسه عالی قضاوت، قم، استان قم، ایران، طلبه حوزه علمیه قم، در حال تحصیل

در سطح خارج فقه و اصول، پژوهشگر و دبیر درس عربی شهرستان رودبار زیتون، استان گیلان، ایران، m.h.keleshteri@gmail.com

۳. دانش آموخته سطح چهار (دکتری) رشته تفسیر تطبیقی، مرکز تخصصی حوزه علمیه رفیعه المصطفی (ص)، تهران، ایران، شاغل به تحصیل مقطع

دکتری، رشته الهیات محض، دانشگاه الازعاعی، شهر بیروت، لبنان، پژوهشگر، فعال فرهنگی و مدرس حوزه های خواهران در مقطع سطح دو و سه

(کارشناسی و کارشناسی ارشد)، mbg1390@gmail.com

۴. سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته فقه و اصول، مؤسسه آموزش عالی حوزوی حضرت فاطمه معصومه (س)، بندرعباس، استان هرمزگان، ایران،

پژوهشگر و فعال فرهنگی، Alireza80417861@gmail.com

مقدمه

یکی از مسائل مهمی که دین اسلام به آن اهتمام ویژه ای دارد نحوه مشارکت زنان در صحنه های اجتماعی است، زنان به عنوان عضو مؤثر در تحولات اجتماعی همواره با فداکار و ایثارگری و شهامت، در پیروزی مسلمانان در عرصه های مهم مبارزاتی و جهاد نقش بسزایی داشته اند. بانوان علاوه بر وجوه مبارزاتی، در عرصه های چون علم و تقوا، حضور با شکوه در عرصه فعالیت های اجتماعی و سیاسی، نقش چشمگیری دارند. زنان به عنوان عامل مثبت و مؤثر در رشد معنوی همسران خود همواره نشان داده اند که نقشی بی بدیل به آنها سپرده شده است. زنان حاضر در واقعه کربلا نمونه الگوی کامل برای زنان مسلمان هستند که می توانند با الگوگیری از عملکرد آنها در رشد معنوی همسر و مردان خود تاثیر مثبت گذاشته و حرکت آنها را در مسیر صحیح هموار کنند.

هدف اصلی این تحقیق، تشریح چگونگی تأثیر زنان بر رشد معنوی همسران خود با الگوگیری از واقعه کربلا است. زن می تواند با پشتیبانی معنوی در تقویت روحیه حق طلبی و ایثار و قوی شدن روحیه مرد تاثیر بی بدیلی ایفا کند، آنان را در برابر سختی های جهاد تجهیز کنند که بتوانند در میدان های سخت مبارزات گوناگون حضور فعال داشته باشند. بنابراین پرداختن به این مسئله امری لازم و ضروری است. برای تحقق بخشیدن به این هدف بزرگ لازم است که زنان امروزی راهکارهای عملی را در رشد معنوی خود برای حضور قوی همسرانشان در همه صحنه ها و پشتیبانی از آرمان های عزیز انقلاب و دفاع از ولایت دنبال نمایند، چرا که این مسئله در اسلام از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تا آنجا که می توان گفت نقش زنان در آماده سازی همسران و حضور در صحنه حساس جهاد متبلور از مرور واقعه کربلا است.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- مفهوم واژه زن

زن در لغت یعنی مادینه انسان، بشر ماده (دهخدا، ۱۳۴۶، ج ۶، ص ۱۱۳۱)؛ مقابل مرد، (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۱۲۰۰)؛ همسر مرد، (معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۵۱)
در اصطلاح: یک انسان بالغ ماده است. دختری که دوران بلوغ و نوجوانی خود را تمام کرده که پس از ۱۸ سالگی زن می گویند. (دی آنجلس، ۱۳۹۷، ص ۷۰).

۱-۲ مفهوم واژه همسر

همسر در لغت: به معنای شریک زندگی، هر یک از زن و شوهر، هم سخن، (دهخدا، ۱۳۴۶، جلد ۱۶، ص ۱۴۰۲). رفیق راه، همسری، برابری، مساوات، زناشویی و ازدواج. (معین، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۰۱۳).
در اصطلاح: دو همراه، دو شخص هستند که جدایی از نیت حرکتشان و یا مقصدشان، دارای راه مشترکی هستند یعنی راه هردوی آنها یکی است. (خدایان آرنی، ۱۳۹۱، ص ۲۵)

۱-۳ مفهوم واژه الگو

الگو در لغت: به معنای طرح، نمونه است. (دهخدا، ۱۳۴۶، ج ۵، ص ۱۰۲).

در اصطلاح: به معنای تأسی کردن، یعنی فلانی را الگوی خود می بیند و به او اقتدا می نماید و حالات خود را همانند وی می نماید. بنابراین الگوگیری، یعنی ملاک قرار دادن یک شخص یا رفتار او به عنوان الگو و نمونه ای برای عمل کردن. (غیائی، ۱۳۹۳، ص ۵۴)

۴-۱ مفهوم واژه رشد

رشد در لغت: به معنای تمیز نیک و بد، استطاعت بر راه حق و پایداری در آن، رشد کردن، نمو کردن، هدایت شده است. (دهخدا، ۱۳۴۶، ج ۴، ص ۱۲۴۵) و در شرع هم عبارت است از سلوک راه راست یعنی صلاح راه دین و اصلاح مال، (معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۲۰).

همچنین از نظر اصطلاحی: در قرآن به تمام حوزه های شناخت، عواطف و رفتار انسانی، رشد گفته می شود و انسان را رشد یافته، انسانی است که دارای کمال عقلی و جهت گیری الهی در عواطف و تبعیت از دین خدا در سلوک و رفتار باشد. (مطلق، ۱۳۹۵، ص ۳۱)

۵-۱ مفهوم واژه معنوی

معنوی در لغت: به معنای امور باطنی، حقیقی، مقابل امور مادی، ظاهری، صوری، مقامات معنوی درجات عالم باطن، مقامات عرفانی. (دهخدا، ۱۳۴۶، ج ۴، ص ۱۲۵۴)

در اصطلاح: معنویت یعنی قابلیت و گرایش که برای هر فرد فطری و منحصر به فرد می باشد و این گرایش معنوی افراد به سوی معرفت عشق، معنا، آرامش، تعالی، پیوند، شخصیت، خوبی، و یکپارچگی سوق می دهد. (دایروین، ۱۳۹۵، ص ۴۶).

۶-۱ تعریف رشد معنوی

فرایند یا حالتی درونی که فرد نسبت به امور معنوی و ماورایی نزدیکی و قرابت سبک می کند، به طوری که ایده ها و آداب غلط را خود ریشه کن می نماید. (همان، ص ۵۹).

۷-۱ اهمیت رشد معنوی

هدف خلقت، رشد معنوی انسان و رسالت انبیاء نیز برای تحقق این هدف است. "رشد" در لغت به معنای هدایت شدن و در قرآن و حدیث به دو معنای "رشد عقلی در زمینه اداره امور مالی" و "رشد معنوی" است. از آن جایی که آدمی خواهان سعادت دنیا و آخرت است، لازم است ابزار سعادت خود را شناسایی کند تا در پرتو آن به سعادت برسد؛ این ابزار همان رشد معنوی است. داشتن خاطری آرام و ذهنی آسوده آرزوی هر انسانی است. بسیاری از تلاش های بشریت نیز برای رسیدن به این هدف است. در آموزه های دینی، رسیدن به این هدف تنها در گرو رشد معنوی است؛ برخلاف بسیاری از مکاتب مادی که رسیدن به آرامش را در گرو رسیدن به ثروت بیشتر و مقام بالاتر و... می دانند، اما وجود اضطراب فراوان و بیماری های روانی در افرادی که به این ثروت ها و زیبایی های ظاهری رسیده اند، نشان گر بی اساس بودن نظرات مادی گراهاست؛ بنابراین راه حل درست برای داشتن آرامش واقعی همان رشد معنوی است. رشد معنوی با بی اهمیت شمردن مسائل

دنیایی (که بخش اعظم اضطراب افراد به سبب توجه به این امور کم‌اهمیت دنیاست که افراد اهمیت زیادی به آنها داده‌اند) و تعیین هدف درست برای انسان (خداپرستی) عامل مهمی در ایجاد آرامش آدمی است.

۲- انواع رشد معنوی

۲-۱- دل نیستن به هنگام داشتن ثروت و زیبایی‌های دنیا

بخش دیگر مسائل دنیا، زیبایی‌های ظاهری آن است که موقت و شایسته دل بستن نیست؛ امام علی (ع) در این مورد می‌فرماید: «...مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ لَيِّنٌ مَسُّهَا قَاتِلٌ سَمُّهَا فَأَعْرِضْ عَمَّا يُعْجِبُكَ فِيهَا لِقَلَّةٍ مَا يَصْحَبُكَ مِنْهَا...» مثل دنیا مانند مار است که پوستی نرم و زهری کشنده دارد، بنابراین از جاذبه‌های فریبنده آن روی گردان، زیرا زمانی کوتاه در آن خواهی ماند...» (نهج البلاغه صبحی صالح، نامه ۶۱، ۴۵۸) بنابراین رشد معنوی موجب تعادل در رفتار می‌شود تا به هنگام داشتن نعمت‌ها مغرور و به هنگام سختی‌ها سرخورده نشود.

۲-۲- رفتار درست و شایسته با دیگران

الف) عدم آزار دیگران

انسان خود با رفتار خود می‌تواند منشأ آزار دیگران شود. انسان رشد یافته در بستر تعالیم دینی با اتکا به این سخن امام علی (ع) که می‌فرماید:

«يَا بَنِيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ فَأَحْبِبْ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَاكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا، (همان، نامه ۳۱)؛

نفس خود را میزان بین خود و دیگران قرار ده، پس آنچه برای خود دوست داری برای دیگران هم دوست بدار و آنچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران هم می‌پسند.»

بدیهی است این شیوه رفتاری با دیگران موجب افزایش صمیمیت است؛ اما رفتار ناشایست با دیگران، واکنش آنها را در پی دارد و در نتیجه موجب افزایش دشمنی‌ها است.

ب) خوبی در برابر بدی دیگران

گاهی دیگران با رفتار ناشایست خود موجبات آزار انسان را فراهم می‌سازند. امام علی (ع) در مورد نحوه رفتار انسان متقی با این‌گونه افراد می‌فرماید:

«يَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَهُ وَ يُعْطِي مَنْ حَرَمَهُ، (نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۹۳، ۳۰۵)؛

ستمکار خود را عفو می‌کند و به آن که محرومش ساخته می‌بخشد.»

بخشش و فراتر از آن خوبی در مقابل بدی، موجب اصلاح خاطی و پشیمانی او از عمل خود است، اما انتقام موجب لجاجت و برخورد متقابل او در نتیجه افزودن گناهان است.

ج) ارتباط با خالق و کسب آرامش و امنیت در پرتو آن

در تعالیم دینی بر وجود خالق و وجوب ارتباط با او توجه فراوانی شده است. خداوند می‌فرماید:

«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ: آگاه باشید، (سوره رعد/۲۸)؛

تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد».

بدیهی است توجه به وجود خدا اثری شگرف در آرامش آدمی دارد؛ ولی عدم اعتقاد به وجود خدا، مایه اضطراب، عامل پوچی و افسردگی است.

۳- عوامل رشد معنوی

۳-۱- تفکر

گام اول برای رسیدن به رشد معنوی، «تفکر» است؛ تفکر نوعی عبادت است. امام علی (ع) می‌فرماید:

«لَا عِبَادَةَ كَالْتَفَكْرِ فِي صَنْعَةِ اللَّهِ، (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۴۶)؛

هیچ عبادتی مانند اندیشیدن در صنع خدای عزوجل نیست».

۳-۲- ایمان

ایمان، " جایگزین شدن اعتقاد در قلب است، شخص با ایمان به کسی که به درستی، راستی و پاکی وی اعتقاد پیدا کرده، امنیت می‌دهد؛ خداوند در مورد ایمان می‌فرماید:

«وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ، (سوره بقره/۱۸۶)؛

و هنگامی که بندگان من از تو درباره من سؤال کنند، (بگو:) من نزدیکم! دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند (و به مقصد برسند)!

۳-۳- ترک زشتی‌ها

نقش زشتی در کند کردن سرعت رشد معنوی بارز است؛ در این مورد امام صادق (ع) می‌فرماید:

«إِذَا أَدْنَبَ الرَّجُلُ خَرَجَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ سَوْدَاءٌ فَإِنْ تَابَ انْمَحَتْ وَ إِنْ زَادَ زَادَتْ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَى قَلْبِهِ فَلَا يُفْلِحُ بَعْدَهَا أَبَدًا، (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۷)؛

هنگامی که انسان گناه می‌کند، نقطه سیاهی در قلب او پیدا می‌شود، اگر توبه کند محو می‌شود و اگر بر گناه بی‌افزاید زیادتر می‌شود تا تمام قلبش را فرا می‌گیرد و بعد از آن هرگز روی رستگاری را نخواهد دید».

۳-۴- انجام خوبی‌ها

خوبی‌ها، افزاینده سرعت رشد معنوی است، پیامبر اکرم (ص) در رابطه با نماز می‌فرماید:

«مَثَلُ الصَّلَاةِ مَثَلُ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ إِذَا تَبَّتْ الْعَمُودُ تَبَّتْ الْأُتُنَابُ وَ الْأُوتَانُ وَ الْعِشَاءُ وَ إِذَا انْكَسَرَ الْعَمُودُ لَمْ يَنْفَعْ وَ تِدُّ وَ لَا طُنْبُ وَ لَا عِشَاءُ، (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ ق؛ ج ۱، ص ۲۱۱، ح ۶۳۹)؛

مثل نماز همچون ستون خیمه است که هر گاه ستون پا برجا و ثابت باشد، طناب‌ها، میخ‌ها و پرده خیمه نیز بر پا و استوار خواهد بود و هرگاه آن ستون شکست، دیگر نه میخ و نه طناب و نه پرده خیمه، هیچ‌کدام فایده ندارد».

۴- موانع رشد معنوی

۴-۱- جهل و نادانی

از جمله موانع رشد معنوی، جهل است. امام علی (ع) می‌فرماید:

«الْعَقْلُ يَهْدِي وَ يُنْجِي، وَ الْجَهْلُ يُغْوِي وَ يُرْدِي، (عُرَّرَ الْحِكْمُ، شماره حدیث: ۲۱۵۱)؛

جهل گمراه می‌کند و هلاک می‌گرداند».

جاهل، نیروی تعقل خود را به کار نمی‌برد تا با مشاهده خلقت جهان و... به وجود پروردگاری یکتا پی‌برد؛ به همین سبب به انواع گناهان آلوده می‌شود. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق؛ ص ۱۲۵، ح ۲۱۷۳)

۴-۲- کفرورزی

علت دیگر در عدم رشد معنوی، کفرورزی است. خداوند در این باره می‌فرماید:

«لَكِنَّ اللَّهَ حَبَبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ زَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَهُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ، (سوره حجرات/۷)؛

ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده و (به‌عکس) کفر، فسق و گناه را منفورتان قرار داده است؛ کسانی که دارای این صفاتند، هدایت یافتگانند!».

۴-۳- پیروی از شهوات

مانع دیگر رشد معنوی، پیروی از شهوات است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

«فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا، (سوره مریم/۵۹)؛

اما پس از آنان، فرزندان ناشایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند و از شهوات پیروی نمودند؛ و به‌زودی (مجازات) گمراهی خود را خواهند دید!».

۴-۴- ضایع کردن نماز

ضایع کردن نماز مانع رشد معنوی است؛ «کسی که نماز می‌خواند ولی بدون شرایط آن یا با تأخیر این کار را می‌کند، چنین کسی نماز را ضایع کرده و آن را سبک شمرده است»، (قرائتی، ۱۳۸۸، ص ۵۶)

۴-۵- تکبر

مانع دیگر در رشد معنوی، تکبر است. خداوند در قرآن در مورد تکبر می‌فرماید:

«سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ، (سوره اعراف/۱۴۶)؛

بزودی کسانی را که در روی زمین به ناحق تکبر می‌ورزند، از (ایمان به) آیات خود، منصرف می‌سازم! آنها چنانند که اگر هر آیه و نشانه‌ای را ببینند به آن ایمان نمی‌آورند؛ اگر راه هدایت را ببینند، آن راه خود انتخاب نمی‌کنند؛ اگر طریق گمراهی را ببینند، آن راه خود انتخاب می‌کنند!».

۵- نقش زنان در حادثه کربلا

زنان در ماجرای کربلا نقش مثبت و مهمی داشتند که در آن جا به آن پرداخته می‌شود. مباحث قابل طرح در مورد حادثه عاشورا، نقش زنان در این واقعه است. «تاریخ کربلا، یک تاریخ و حادثه مذکر - مؤنث است. حادثه ای است که مرد و زن، هر دو، در آن نقش دارند؛ ولی مرد، در مدار خودش و زن، در مدار خودش». (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۹۲).

از جمله موضوعاتی که شایسته بررسی و تحلیل در شهادت نامه امام حسین (ع) است، نقش زنان در حادثه کربلاست. حضور و نقش زنان در حادثه کربلا، از این منظر، شایسته بررسی و تحلیل است که عاشورا نمایشی عینی از آموزه های اسلامی در دشوارترین شرایط است و در ضمن آن می‌توان از توانمندی، نقش و ابعاد وجودی زن آگاه شد. با تحلیل رفتار و گفتار زنان عاشورایی، می‌توان نقش زنان را در حادثه کربلا، بدین ترتیب بیان نمود:

۵-۱. پیام‌رسانی

خطبه های زینب علیها السلام، امّ کلثوم و فاطمه بنت الحسین (ع) و گفتگوهای آنان با مردم در مسیر بازگشت، و نیز روایت وقایع کربلا توسط زنان، در زمره نقش پیام‌رسانی آنان، تفسیر می‌شود. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۱۱۹).

۵-۲. مشارکت در نبرد

در حادثه کربلا، زنانی در نبرد حضور داشته‌اند که گاه بر دشمن آسیب رسانده‌اند و گاه توسط دشمن، آسیب دیده یا به شهادت رسیده‌اند. بانوی شهید امّ وهب همسر عبد الله بن عمر کلبی، دختر عبد الله بن عقیف، زنی از طایفه بکر بن وائل و بانوی شهید اسماء همسر مختار، از این دسته زنان‌اند. (همان).

۵-۳. روحیه بخشی

در حادثه کربلا مادران، خواهران و همسرانی را می‌بینیم که با تشویق مردان خود و دل‌داری دادن به آنها، آنان را به نبرد تشویق کرده و یا آنان را به میدان کارزار فرستاده‌اند. از جمله این زنان، دلهم همسر زهیر، دختر عبد الله بن عقیف و نیز مادر عمرو بن جناده را می‌توان نام برد. (همان)

۵-۴. توبیخ و سرزنش ستمکاران

در تاریخ کربلا، زنانی هستند که مردانشان را - که در جبهه تاریکی و ظلم بوده‌اند - مورد توبیخ و سرزنش قرار داده و از رفتار آنان ابراز تنفر و انزجار کرده‌اند و یا هرگز روی خوش به آن مردان، نشان نداده‌اند. مرجانه مادر ابن زیاد،

همسر خولی، هند همسر یزید، عاتکه دختر یزید، امّ عبد الله همسر مالک بن نُسَیر، اسماء همسر ولید بن عتبّه (والی مدینه) و نوار همسر یا خواهر کعب (قاتل بُریر)، از جمله این زنان اند. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۱۱۹)

۵-۵. پناه دادن و یاری دادن به یاران امام حسین (ع)

پیش از وقوع حادثه کربلا و پس از آن، در تاریخ، نام زنانی می درخشد که با حمایت و پناه دادن، جبهه حسینیان را تقویت کرده اند، زنانی مانند: طّوعه که به مسلم پناه داد و ماریه از طایفه عبد القیس که خانه اش محلّ تجمع و گفتگوی طرفداران امام حسین (ع) در بصره بود و زنی که دو کودک از اهل بیت امام حسین (ع) را پناه داد. (همان)

۵-۶. مدیریت

نقش زینب علیها السلام در حادثه کربلا بویژه پس از ظهر عاشورا، نماد یک مدیریت موفق در شرایط بسیار بحرانی است. اوست که با درایت و تدبیر عالی خود، کاروانِ آسیب دیده و مصیبت زده و بی خانمان را با عزّت، شکیبایی و بردباری، مدیریت می کند تا به مدینه می رساند. شاید سخن نقل شده از امام زین العابدین (ع) در باره عمّه اش که:

«تو به لطف خدا، عالمی هستی که از دیگران دانش نیاموخته ای، و فهمیده ای هستی که لازم نیست دیگران به تو بفهمانند»، (همان)؛

نشان قدردانی ایشان در برابر این مدیریت افتخارآمیز باشد.

۵-۷. عمق بخشیدن به بُعد عاطفی و اندوهبار کربلا

برگزاری مجالس سوگواری پس از حادثه عاشورا توسط زنان و نیز به سوگ نشستن و مرثیه خواندن را می توان یکی از عوامل ماندگاری عاشورا در خاطره ها و یادها بر شمرد. آنچه در باره امّ البنین، ربّاب، امّ لقمان دختر عقیل، زنان بنی هاشم، زنان خاندان یزید و معاویه، زنان اهل کوفه و زنان مدینه در تاریخ می خوانیم، با این بیان قابل تفسیر و تحلیل است. (همان).

نکته جالب توجه در باره واقعه کربلا آن است که گرچه مردان در دو جبهه نور و ظلمت، حضور داشته و در هر دو جبهه نقش آفریده اند، لیکن زنان عموماً در جبهه نور، نقش مثبت ایفا کرده اند و به نقطه تاریکی در گزارش های مربوط به زنان بر نمی خوریم. این دریافت می تواند در نقد پاره ای از دیدگاه های منفی در باب زنان که آنان را منشأ همه شرور و فتنه ها می دانند، به کار گرفته شود. در واقعه کربلا بانوانی گرامی حضور داشته اند اکنون با اشاره و اجمال، به عملکرد این بانوان می پردازیم (ابتدا زنان منسوب به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سپس دیگر زنان، با ترتیب الفبایی).

۶- زنان حاضر در کربلا

۶-۱. امّ البنین

فاطمه کلابی، مادر چهار شیرمرد از فرزندان امیر مؤمنان (ع)، یعنی: عباس و سه برادر دیگرش و مشهور به «امّ البنین» است. در مقاتل الطالبيين آمده است:

امّ البنین - که مادر چهار برادر کشته شده بود - به بقیع می رفت و در آن جا، اندوهگین ترین و سوزناک ترین مرثیه سرایی ها را برای پسرانش انجام می داد. مردم، نزد او گرد می آمدند و به آن مرثیه ها گوش فرا می دادند. مروان هم از جمله کسانی بود که به بقیع می آمد. او به مرثیه امّ البنین، گوش می داد و می گریست. (همان، ص ۲۴۶)

۲-۶. أم سلمه

أم سلمه، همسر بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله که رابطه عاطفی عمیقی با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله داشت، در قیام امام حسین(ع)، رازدار قیام و شهادت ایشان بود. پیامبر صلی الله علیه و آله قطعه ای از خاک کربلا را به وی داده بود و خبر داده بود که هر گاه این تربت تبدیل به خون شد، حسین شهید شده است. (همان، ص ۱۹۱)

أم سلمه قبل از حرکت، سخنانی با امام(ع) داشت (همان، ص ۴۱۳). و روز عاشورا، از طریق دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله در خواب و نیز خون شدن خاکی از کربلا که در نزدش بود، از شهادت امام(ع) آگاهی یافت. او از اولین به سوگ نشستگان برای سالار شهیدان است. (همان، ص ۲۱۱).

۳-۶. أم کلثوم، دختر امام علی (ع)

در بسیاری از وقایع حماسه کربلا و پس از آن، نام أم کلثوم آمده است. (همان، ص ۴۵) در باره این که أم کلثوم حاضر در واقعه کربلا، همان زینب علیهاالسلام است یا دختر دیگر امام علی (ع) و فاطمه علیهاالسلام، یا دختر امیر مؤمنان (ع) از غیر فاطمه علیهاالسلام، نظر قاطعی نمی توان ابراز کرد.

۴-۶. رباب، همسر امام حسین (ع)

رباب، همسر باوفای امام حسین (ع) و مادر سکینه و عبد الله بن الحسین (کودکی که در آغوش امام(ع) به شهادت رسید) است. رباب را زنی زیبا، خردمند، بافضیلت و شاعر گفته اند و او که شاهد شهادت شوهر، فرزند و دیگر نزدیکان خویش بود، تنها یک سال پس از واقعه عاشورا زنده بود و در این مدت، زیر هیچ سایه ای نرفت و برخی گفته اند که در این مدت، بر سر مزار امام (ع) به سوگ نشست. در نقلی آمده که در جواب خواستگارش گفت: نمی خواهم پس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، پدرشوهری برگزینم. به خدا سوگند، پس از تو با هیچ کس دیگری ازدواج نخواهم کرد تا آن که میان شن و گل، مدفون و ناپیدا شوم. (همان، ص ۲۱۳)

۵-۶. رقیه، دختر امام حسین (ع)

در باره وی، مقاله عالمانه ای در همین دانش نامه آمده است. (همان، ص ۳۸۴).

۶-۶. زنان بنی عقیل

دختران عقیل - که شهیدان گران قدری از بنی عقیل را در کوفه و کربلا تقدیم کرده بودند - مرثیه تکان دهنده ای هنگام بازگشت اسیران اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه داشتند. در کتاب الإرشاد مفید، آمده است:

أم لقمان، دختر عقیل بن ابی طالب، وقتی خبر شهادت امام حسین(ع) را شنید، ماتم زده بیرون آمد و خواهرانش: أم هانی، اسماء، رمله و زینب، دختران عقیل بن ابی طالب - که رحمت خدا بر آنان باد - با او بودند. او برای کشتگان طف می گریست و می گفت:

به پیامبر صلی الله علیه و آله چه خواهید گفت، اگر از شما بپرسد: شما - ای واپسین امت - چه کردید با نسل من و خانواده ام، پس از دست دادن من که برخی از آنها اسیرند و برخی در خون غلتیدند؟ من برایتان خیرخواهی کردم و این، پاداش من نبود که با خویشانم، پس از من، بدرفتاری کنید»، (همان، ص ۴۶۷).

۷-۶. زنان بنی هاشم

زنان بنی هاشم، سال ها بر فاجعه کربلا گریستند و نقش مهمی در پاسداشت یاد و راه شهیدان و محکومیت جنایتکاران این حادثه داشتند. در کامل الزیارات آمده است که امام صادق (ع) فرمود:

هیچ یک از زنان ما خضاب نکرد و روغنی استفاده ننمود و سُرْمه نکشید و شانه نزد، تا این که سر عبید الله بن زیاد را برایمان آوردند. ما پس از آن نیز همواره گریان بودیم. (همان، ص ۴۲۶).

در المحاسن نیز به نقل از عمر بن علی بن الحسین می گوید:

وقتی حسین بن علی(ع) کشته شد، زنان بنی هاشم، لباس سیاه و خشن بر تن کردند و از هیچ گرمی و سردی ای، شکوه نمی کردند. در [موقع] سوگواری آنان، علی بن الحسین (زین العابدین(ع)) غذا تهیه می کرد. (خالد برقی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۱۹۵ ح ۱۵۶۴).

۶-۸. زینب کبرا علیها السلام

زینب علیها السلام از آغاز قیام امام حسین (ع)، همراه برادر شد و در تمام دوران قیام، همدل و همراه و رازدار او بود. گفتگوهای او با امام(ع) در شب عاشورا، حضورش در کنار بدن علی اکبر(ع) و سید الشهداء در روز عاشورا، رثای جانسوز او در کنار قامت خونین برادر و خطاب او با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در روز یازدهم محرم، از صفحات زرین و جاودانه زندگانی سرشار از جلالت، شکیبایی و والایی اوست.

او پس از حادثه عاشورا، شکوهمند و استوار، سرپرستی قافله اسیران را به عهده گرفت و با شجاعت و صلابت و درایت، کار را به پایان برد. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۲۰۷)

۶-۹. سکینه، دختر امام حسین (ع)

وی در کربلا، حدود نه سال داشت و نوعروس بود و شوهرش عبد الله بن الحسن، در کربلا به شهادت رسید. امام حسین(ع) به شدت به وی علاقه داشت. این علاقه در شعری از امام(ع) بیان شده است. (همان، ص ۳۱۶). وی در زمره اسیران، به کوفه و شام و سپس به مدینه رفت و در آن جا زیست. او در سفر اسارت، نقشی مؤثر داشت و این جمله او خطاب به یزید: «ای یزید! آیا دختران پیامبر خدا، باید اسیر باشند؟!»، مجلس یزید را دگرگون ساخت. سکینه را زنی خوش خو، ظریف، زیبا، عفیف، اهل شعر و ادب و از راویان حدیث شمرده اند. بزرگان قریش و بزرگان شعر و ادب در مجلس وی حاضر می شدند. (همان، ج ۱ ص ۳۶۳).

۶-۱۰. فاطمه، دختر امام حسن (ع)

وی همسر امام زین العابدین(ع) و مادر امام باقر (ع) و مادربزرگ سایر امامان اهل بیت علیهم السلام است. در باره او از امام صادق(ع) روایت شده که:

چنان شخصیت راستگو و درست کرداری بود که در میان خاندان حسن (ع)، زنی چون او دیده نشده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ج ۱ ص ۴۶۹ ح ۱).

وی از جمله راهبان سفر سخت اسارت است. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۸ ص ۲۰۷)

۶-۱۱. فاطمه، دختر امام حسین(ع)

وی دختر بزرگ امام حسین (ع) و همسر حسن مثنی (فرزند امام مجتبی(ع)) است. امام حسین (ع) در باره او فرموده:

او بیش از دختر دیگرم به مادرم فاطمه دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شبیه است. (همان، ج ۱ ص ۳۵۴). همسرش در کربلا، مجروح در میان شهدا افتاده بود و پس از پایان نبرد معلوم شد که زنده است؛ زیرا بستگان او در لشکر عمر سعد، مانع کشتن او شده بودند. فاطمه به عنوان اسیر به کوفه و شام رفت. او روایتگر برخی حوادث مربوط به خیمه ها و مجلس یزید است. خطبه ای در کوفه به او منسوب است. (همان، ص ۳۵۰).

۱۲-۶. فاطمه، دختر امام علی (ع)

وی که «فاطمه صغری» نیز نامیده شده، به همراه همسر شهیدش ابو سعید بن عقیل در کربلا حضور داشت و سپس به سفر اسارت رفت. وی از روایان حوادث کربلاست. (همان، ج ۸ ص ۲۱۱)

۱۳-۶. اسماء همسر مختار

مصعب بن زبیر، اسماء دختر نعمان بن بشیر (همسر مختار) را دستگیر کرد و به او گفت: نظرت در باره مختار چیست؟ او گفت: به نظر من، او انسانی باتقوا، پاک و روزه دار بود. مصعب گفت: ای دشمن خدا! تو از کسانی هستی که مختار را از عیب، مُبراً می دانی؟! سپس دستور قتل وی را داد و گردن او را زدند. او اولین زنی بود که با زجر، گردنش زده شد. (احمد بن ابی یعقوب، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۶۴).

۱۴-۶. اسماء همسر ولید بن عتبّه

بر اساس نقل الطبقات ابن سعد، در جلسه ای که شوهر اسماء - که والی مدینه بود - از امام حسین (ع) خواست که با یزید بیعت کند، مشاجره ای بین امام (ع) و والی مدینه در گرفت. هنگامی که ولید به خانه رفت، همسرش او را به سبب این که به امام حسین (ع) بد گفته بود، سرزنش و توبیخ کرد. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۴۲).

۱۵-۶. أمّ عبد الله، همسر مالک بن نُسَیر

مالک بن نُسَیر، از حمله کنندگان به امام (ع) بود. او پس از ضربه زدن به سر امام (ع)، کلاه امام را غارت کرد و آن را به خانه برد. همسرش به شدت، از تحفه ای که او به منزل برده بود، ابراز انزجار کرد. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۹، ص ۱۲۹).

۱۶-۶. أمّ وهب، همسر عبد الله بن عمیر کلبی

تنها زن شهید در کربلا، اوست. هنگامی که همسر شجاعش قصد خود را برای پیوستن به لشکر امام (ع) اعلام کرد، وی ضمن تشویق شوهرش از وی خواست که همراهش برود. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۳۳۳).

در تاریخ الطبری، ماجرای این بانو در روز عاشورا، چنین آورده شده است:

أمّ وهب، همسر او نیز عمود خیمه ای را برداشت و به سوی شوهرش رفت و به او گفت: پدر و مادرم، فدایت باد! برای پاکان نسل محمد صلی الله علیه و آله بجنگ. او نیز به سوی زنش آمد و وی را نزد زنان، باز گرداند؛ اما زن، به لباس او چسبید و گفت: من، تو را و نمی نهم تا آن که همراه تو جان بدهم. امام حسین (ع)، او را ندا داد و فرمود: «برای خانواده شما، پاداش نیکو باد! خدا، رحمت کند! به نزد زنان، باز گرد و کنار آنان بنشین که جنگ، بر زنان، واجب نیست». أمّ وهب هم به سوی زنان، باز گشت.... سپس از هر سو بر حسین (ع) و یارانش، هجوم آوردند و [عبد الله] کلبی، کشته شد.... همسر کلبی به سوی شوهرش آمد و نزد او نشست و غبار را از او زدود و گفت: بهشت، گوارایت باد

! شمر بن ذی الجوشن، به غلامش رستم گفت: با عمود خیمه، بر سرش بکوب. او بر سر آن زن کوبید و سرش شکست و سپس همان جا، جان داد. (همان، ج ۱۵ ص ۲۲۷).

گفتنی است که در الأمالی صدوق، از امّ وهبی دیگر، ماجرای نقل شده که شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با نقل طبری دارد. چنان که برخی از محققان مطرح ساخته‌اند، ممکن است این دو در اصل، یک نفر باشند که در این صورت، از نظر ما، نقل طبری رجحان دارد. بخشی از نقل الأمالی صدوق، چنین است: وَهْبُ بِنِ وَهْبٍ، به میدان آمد. او و مادرش، مسیحی بودند که به دست امام حسین(ع)، مسلمان شده و تا کربلا به دنبال او آمده بودند. وَهْبُ، بر اسب، سوار شد و عمود خیمه را به دست گرفت و جنگید تا هفت یا هشت تن [از سپاه دشمن] را کشت و سپس اسیر شد. (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰، ص ۴۴۸).

او را نزد عمر بن سعد - که خدا لعنتش کند - آوردند. فرمان داد تا گردنش را بزنند. او را گردن زدند و [سرش را] به سوی لشکر امام حسین(ع) انداختند. مادرش، شمشیر او را بر گرفت و به میدان آمد. امام حسین(ع) به او فرمود: «ای امّ وهب! بنشین که خداوند، جهاد را از دوش زنان، برداشته است. تو و پسرت، با جدّم محمد صلی الله علیه و آله، در بهشت خواهید بود...». (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۳۸۳ ح ۱۷۵۱)

در مقتل خوارزمی نیز سرنوشت مادر وَهْبُ بِنِ وَهْبٍ نصرانی، به مانند سرنوشتی که طبری برای امّ وهب همسر عبد الله بن عمیر تصویر کرده، رقم می خورد؛ یعنی توسط غلام شمر به شهادت می رسد. (خوارزمی، ۱۴۲۳ق، ج ۶ ص ۳۸۰).

۱۷-۶. دختر عبد الله بن عقیف

او هنگامی که پدر پیر و نابینا و مجاهدش، عبد الله بن عقیف، ابن زیاد را در مسجد کوفه، به باد انتقاد گرفت و در پس آن، مأموران عبید الله، خانه اش را مورد هجوم قرار دادند، کمک کار پدرش شد. ابتدا پدر را از حمله مأموران آگاه ساخت و سپس شمشیر آورد و به دست پدرش داد و از هر طرف که نیروهای دشمن حمله می کردند، پدرش را آگاه می ساخت و تا شهادت پدرش در کنار او بود. (همان، ج ۸ ص ۱۷۳).

۱۸-۶. دُهْم، همسر زُهِیر

با تشویق این زن، شوهرش زهیر - که سابقه خوبی در روابطش با اهل بیت علیهم السلام نداشت - به ملاقات امام حسین(ع) رفت و در ادامه از زمره یاران خاص امام و از شهیدان شاخص واقعه کربلا گردید. بر اساس برخی نقل‌ها، او هنگام وداع با شوهرش، از او خواست که نزد جدّ حسین(ع)، از او یاد کند. (همان، ج ۵ ص ۱۷۵).

۱۹-۶. ریّا، دایه یزید

این زن، در کهن سالی، روایتگر برخی جنایت‌های یزید است. در سیر أعلام النبلاء، به نقل از حمزه بن یزید آمده است:

او (ریّا) گفت: مردی بر یزید، وارد شد و گفت: بشارت بده که خدا، تو را بر حسین، چیره کرد و سرش را آورده اند! سپس سر را در تشتی نهادند... به او (ریّا) گفتم: آیا یزید با چوب دستی بر دندان‌های جلوی حسین کوبید؟ گفت: آری، به خدا سوگند. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۵۵).

نتیجه

هدف خلقت، رشد معنوی انسان و رسالت انبیاء نیز برای تحقق این هدف است. آدمی خواهان سعادت دنیا و آخرت است؛ داشتن خاطری آرام و ذهنی آسوده آرزوی هر انسانی است. در آموزه‌های دینی، رسیدن به این هدف تنها در گرو رشد معنوی است بنابراین لازم است ابزار سعادت خود را شناسایی کند تا در پرتو آن به سعادت برسد؛ این ابزارها عبارتند از: ۱- دل نبستن به هنگام داشتن ثروت و زیبایی‌های دنیا ۲- رفتار درست و شایسته با دیگران ۳- عدم آزار دیگران ۴- خوبی در برابر بدی دیگران، عوامل که در رشد معنوی موثرند عبارتند از ۱- تفکر ۲- ایمان ۳- ترک زشتی‌ها ۴- انجام خوبی‌ها.

موانع رشد معنوی عبارتند از: ۱- جهل و نادانی ۲- کفرورزی ۳- پیروی از شهویات ۴- ضایع کردن نماز ۵- تکبر. «تاریخ کربلا، یک تاریخ و حادثه مذکر - مؤنث است. حادثه ای است که مرد و زن، هر دو، در آن نقش دارند؛ ولی مرد، در مدار خودش و زن، در مدار خودش». عاشورا نمایشی عینی از آموزه‌های اسلامی در دشوارترین شرایط است و در ضمن آن می‌توان از توانمندی، نقش و ابعاد وجودی زن آگاه شد. نقش زنان در حادثه کربلا رامی‌توان در چند محور ارزیابی کرد: ۱. پیام‌رسانی ۲. مشارکت در نبرد ۳. روحیه بخشی ۴. توییح و سرزنش ستمکاران ۵. پناه دادن و یاری دادن به یاران امام حسین (ع) ۶. مدیریت ۷. عمق بخشیدن به بُعد عاطفی و اندوهبار کربلا.

زنان بسیاری، پیش از وقوع حادثه عاشورا و نیز پس از آن در شهرهای مختلف (مانند: مدینه، کوفه، شام و بصره)، به گونه ای نقش آفرینی داشته‌اند. ۱. برگزاری مجالس عزاداری و روضه از سوی زنان ۲. ساخت حسینیه و تکایا توسط زنان ۳. موقوفات زنان برای برپایی مجالس روضه ۴. اشعار زنان در باره عاشورا ۵. تألیفات زنان در باره حادثه عاشورا ۶. خطابه‌ها و سخنرانی‌های زنان در باره عاشورا.

زنان امروزی می‌توانند با الگوگیری از حضور زنان در واقعه کربلا و بامطالعه تاریخ آن واقعه عظیم نقش خود در حوادث و اتفاقات سرنوشت ساز را به عنوان یک زن مسلمان به خوبی و با اثر گذاری مطلوب ایفا کنند. زنان حاضر در کربلا یک الگوی کامل از معنویت و محور بودن در همه عرصه‌ها و بزنگاه‌های مهم و حیاتی برای حمایت از جبهه حق هستند که پیروی از آنها بیمه کننده اسلام ناب است. در انقلاب اسلامی ملت ایران این نقش به خوبی از سوی زنان ایران اسلامی ایفا شد. به جرعت می‌توان گفت که زنان در جامعه و حیات بشری دارای نقشی تعیین کننده هستند که می‌توانند هر غیر ممکنی را ممکن سازند.

منابع

* قرآن کریم

کتاب‌های فارسی

- ۱- خدامیان آرانی، مهدی، همسر دوست داشتنی، تهران، بهار دلها، ۱۳۹۱.ش
- ۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.ش
- ۳- دی آنجلیسی، باربارا، رازهای درباره زنان، مترجم: طاهره دانشور، تهران، آیینة بهار، ۱۳۹۷.ش

- ۴- دایروین، برای هر مشکلی راه حلی معنوی وجود دارد، مترجم: سیما فرجی، تهران: نسل نو اندیش، ۱۳۹۵.ش
- ۵- شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، ج ۱۰، ۲، قم، انتشارات جماعه المدرسين فی الحوزه العلمیه بقم مؤسسه النشر الاسلام، ۱۴۱۰.ق.
- ۶- غیائی کرمانی، سید محمد رضا، اسوه حسنه، قم: اسلامی، ۱۳۹۳.ه.ش
- ۷- قرائتی، محسن؛ ؛ تفسیر نور؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. ۱۳۸۸.ش.
- ۸- کماله، عمر رضا، اعلام النساء، دمشق، المكتبة الهاشمیة، بی تا.
- ۹- کمره ای، محمد باقر، در کربلا چه گذشت، ترجمه نفس الهموم، شیخ عباس قمی، چاپ سوم، بی جا، انتشارات مسجد حضرت صاحب الزمان «عج الله تعالی فرجه الشریف»، بی تا.
- ۱۰- معین، محمد، فرهنگ نامه، تهران، آدنا، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.ه.ش
- ۱۱- مطلق، نفیسه، روانشناسی رشد، تهران، سیمیا، ۱۳۹۵.ش
- ۱۲- محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، طهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
- ۱۳- مازندرانی، ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، قم، مؤسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹.ه.ش.
- ۱۴- مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، ج ۲، ۲۶، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.ش.
- ۱۵- محمد محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ترجمه مهدی مهریزی، قم، انتشارات دار الحدیث، ۱۳۹۳.ش.

کتاب های عربی

- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر الطباعه و النشر و التوزيع، ۱۴۱۶.ه.ق.
- ۲- ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰.ه.ق.
- ۳- ابن بابویه، محمد بن علی؛ من لایحضره الفقیه؛ محقق/مصحح: علی اکبر غفاری، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳.ق.
- ۴- الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروا، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱.ش.
- ۵- الطبرسی، میرزا حسین النوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، من الإحياء التراث، ۱۴۰۷.ه.ق
- ۶- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غررالحکم و درر الکلم؛ محقق/مصحح: سید مهدی رجائی، قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰.ق.
- ۷- خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین علیه السلام، ج ۶، انتشارات انوار المهدی، ۱۴۲۳.ق.
- ۸- خالد البرقی، احمد بن محمد، المحاسن: ج ۲، ۲، انتشارات دارالحدیث، مترجم محمد مرادی، ۱۳۹۵.ش.

۹- طوسی، محمد بن حسن؛ *امالی (لطوسی)*؛ محقق/مصحح: موسسه دارالبعثه، قم: دارالثقاه.

عده‌ای از علماء، ۱۳۶۳؛ *الاصول الستة عشر*؛ قم: دارالشبستری للمطبوعات، ۱۴۱۴ ق.

۱۰- کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*، محقق/مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۲، تهران: بی‌چا،

۱۴۰۷ ق.

۱۱- یعقوبی احمد بن ابی یعقوب، *تاریخ الیعقوبی* : ج ۲، چ ۶، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

۱۳۷۱ ش.